

یادداشت

واعظ آشتیانی
مدیرعامل پیشین استقلال

ضرورت توقف ولخرجی‌های فوتبال

بدون شک، در شرایطی که مسئولان کشور بارها بر لزوم صرفه جویی دستگاه‌ها و مردم تأکید کرده‌اند، مشخص نیست چرا نظارت چندانی بر نحوه هزینه‌کرد صدها میلیارد تومان در فوتبال وجود ندارد و مدیران فوتبال بدون هیچ محدودیتی، هر طور که خواهند، اما در جیب شبکه بانکی یا هلدینگ‌های اقتصادی یا کارخانه‌های صنعتی کشور هزینه می‌کنند.

در این شرایط، فوتبال دیگر اولویت مردم نیست و این ریخت‌وپاش‌های میلیاردی از سوی مدیران فوتبالی نه‌تنها هیچ دلگرمی‌ای به مردم و طرفداران فوتبال نمی‌دهد، بلکه باعث دلسردی هرچه بیشتر آنان نیز خواهد شد.

به اعتقاد من باید جلوی مدیرانی که به هوسورتي تخلف می‌کنند و بدون حساب برای باشگاه‌ها هزینه تراشی می‌کنند گرفته شود. من سوالم این است که چرا تاکنون برخورد جدی با متخلفان صورت نگرفته است؟ چگونه ممکن است مدیران ارشد یک باشگاه خواستار کاهش پاداش کارکنان برای صرفه‌جویی شوند، اما به‌راحتی دهه‌ها میلیارد تومان برای بازیکنانی که بسیار کمتر از این مبالغ می‌آورند، هزینه کنند؟

حتی اگر در خوش‌بینانه‌ترین حالت فرض کنیم تمام این ارقام میلیاردي به بازیکنان می‌رسد و سهمی از آن به واسطه‌ها و سایر افراد تعلق نمی‌گیرد، انتظار زیادی نیست که فوتبال‌بست‌ها نیز یک سال به‌خاطر کشورشان کمی سختی بکشند و سبک زندگی لاکچری خود را کاهش دهند. در ضمن، اگر از منابع عمومی چنین ریخت‌وپاش‌هایی صورت گیرد، طبیعی است که بخش‌های خصوصی ناچار به کناره‌گیری از فوتبال شوند. در این مسیر، لازم است مسائل باشگاه‌ها به‌صورت کارشناسی‌تر بررسی شود و از مدیران موجود راهکار خواسته شود تا ناچار شوند راه‌حل‌هایی ارائه دهند که به ضرر تیم‌هایشان نباشد.

همچنین، رئیس فدراسیون خواسته است بیش از ۳۰ درصد به قراردادهای افزوده نشود. این قانون ممکن است در ظاهر مستحکم باشد، اما مدیران تلاش می‌کنند به‌گونه‌ای هزینه کنند که هواداران از آنها راضی باشند؛ موضوعی که برای مدیران امری طبیعی است. ولی باید دید این نگاه مدیران به فوتبال، به پیشرفت فوتبال یا کمک می‌کند یا آن را به سوی بی‌راهه می‌برد.

گفت‌وگو

کاظم اولیایی، مدیرعامل پیشین استقلال

در گفت‌وگو با «ایران»:

راه نجات باشگاه‌ها

واگذاری به بخش خصوصی است

گروه ورزشی / قراردادهای میلیاردي فوتبال‌بست‌ها، مانند همیشه، به چالشی جدی پیش از آغاز لیگ برتر تبدیل شده است؛ اتفاقی که برای باشگاه‌های فوتبال ایران، جز انباشت بدهی، دستاوردی به همراه ندارد. کاظم اولیایی، مدیرعامل سابق باشگاه استقلال، ریشه این مشکل را از عدم اجرای قانون نظام جامع باشگاه‌داری می‌داند: «وقتی کار بدون ریل گذاری انجام شود، نتیجه‌ای جز هزینه از منابع عمومی نخواهد داشت. تنها راهکار این چالش، اجرای طرح قانون نظام جامع باشگاه‌داری است که حدود ۱۵ سال است هنوز به تصویب نرسیده است. به همین دلیل، باشگاه‌ها برای دریافت مجوز، دست به اقدامات غیرقانونی می‌زنند و همین موضوع باعث می‌شود هزینه‌ها بیش از ظرفیت افزایش یابد.»

او درباره نظارت بر قراردادهای لیگ برتر فوتبال می‌گوید: «تمام این مسائل معلول یک علت است. وقتی در هر کاری پول زیادی بدون چارچوب وجود داشته باشد، نتیجه همین می‌شود. در اصل، باشگاه‌ها باید اساسنامه مشترک داشته باشند، اما ندارند و حتی به قوانین بورس نیز بی‌اعتنایی می‌شود. در قانون خصوصی‌سازی، خریدار باید ابتدا برنامه میان‌مدت و بلندمدت ارائه دهد، اما آیا بانک‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی که ۸۵ درصد باشگاه‌ها را خریده‌اند، اصلاً برنامه‌ای ارائه داده‌اند؟ وقتی بی‌برنامه‌گی حاکم باشد، نتیجه‌ای بهتر از این حاصل نمی‌شود و حاصل آن، انباشت بدهی باشگاه‌هاست.»

اولیایی معتقد است تا زمانی که ورزش خصوصی نشود، شرایط به همین شکل ادامه خواهد داشت: «در اروپا، باشگاه‌ها خصوصی هستند و فیفا نیز نظارت شفافی دارد. در سال ۲۰۰۹ نیز با شرکت‌های آلمانی برای صدور مجوز و شفافیت مالی قرارداد بسته شد و آنها پس از بازدید از ایران، دستورالعمل‌هایی ارائه دادند، اما چه کسی مجری این قوانین است؟ تا زمانی که فوتبال به بخش خصوصی واگذار نشود و نظارت‌های نامایشی تمام نشود، شرایط روزبه‌روز بدتر خواهد شد. وقتی ورزشگاه‌ها زیر مجموعه دولت هستند، امکان درآمدزایی وجود ندارد و این یک ساختار غلط است.»

در دوره صفایی فراهانی قرار بود باشگاه‌ها برای حرفه‌ای شدن، پنج سال ورزشگاه اجاره کنند و سپس ورزشگاه اختصاصی بسازند، اما به دلیل همین ساختار نادرست، هیچ‌گاه این اتفاق نیفتاد. وقتی زیرساخت وجود نداشته باشد، باشگاه‌ها فیرلی‌ای مالی ندارند و ریخت‌وپاش‌ها افزایش می‌یابد و در کنار آن، سوءمدیریت و نبود برنامه نیز اضافه می‌شود که نتیجه آن فوتبالی ضعیف و بی‌کیفیت است.»

سینا حسینی / در آستانه آغاز فصل جدید رقابت‌های

فوتبال باشگاهی ایران، بار دیگر موضوع قراردادهای نجومی بازیکنان و مربیان به یکی از بحث‌های داغ فضای عمومی تبدیل شده است؛ موضوعی که نه‌تنها تکراری، بلکه نشانه‌ای از برخی مشکلات در مدیریت فوتبال باشگاهی ایران است. در شرایطی که بسیاری از باشگاه‌های لیگ برتری همچنان از نبود درآمد پایدار رنج می‌برند و با مشکلات جدی مالی و هزینه‌های جاری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، انعقاد قراردادهای سنگین و بعضاً غیرمنطقی با بازیکنان داخلی و خارجی، بیش از هرزمان دیگری پرسش برانگیز شده است.

منتقدان بر این باورند که ریشه بخش قابل‌توجهی از این نابسامانی‌ها را باید در نبود نظارت مؤثر و فقدان شفافیت مالی در ساختار باشگاه‌ها

جست‌وجو کرد. هنگامی که صورت‌های مالی

امیر عابدینی، مدیرعامل پیشین پرسپولیس در گفت‌وگو با «ایران»:

باید مثل اروپا شفاف‌سازی در فوتبال ایران حاکم شود

پرسا غفاری / فوتبال ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های ساختاری و مدیریتی متعددی مواجه بوده؛ چالش‌هایی که از نحوه هزینه‌کرد و قراردادهای نجومی تا ضعف در شفافیت و برنامه‌ریزی بلندمدت را در بر می‌گیرد. در چنین شرایطی، بسیاری از کارشناسان نسبت به آینده این

امیر عابدینی، مدیرعامل پیشین پرسپولیس، در گفت‌وگو با «ایران» درباره شرایط این روزهای فوتبال می‌گوید: «فوتبال ایران به‌واسطه غفلت‌های بی‌پایان در آستانه ورشکستگی است و این اتفاق برای هیچ‌کس اهمیت ندارد.»

او در واکنش به قراردادهای نجومی باشگاه‌ها با برخی بازیکنان و مربیان می‌گوید: «فوتبال را باید در خانواده فوتبال طراحی کرد، همان‌طور که اقتصاد در خانواده بزرگ جامعه بررسی می‌شود. وقتی بانک‌ها، فولاد، هلدینگ‌ها و ارگان‌هایی که درواقع از منابع عمومی هزینه می‌کنند و به درآمدزایی آن توجهی ندارند، آیا از مردم اجازه گرفته‌اند؟ مسلماً خیر. پس طبیعی است که در رقابت برای اعتلای فوتبال



غرامت‌های سنگین و پرونده‌های حقوقی باشگاه‌های ایرانی در فیفا

داستانی که پایان ندارد



گروه ورزشی / قصه غرامت‌های دلاری در فوتبال ایران دیگر نه عجیب است و نه غریب؛ بلکه به یک رویه تکراری و فرساینده تبدیل شده که هر فصل با پرونده‌ای تازه، آبروی مدیریتی فوتبال کشور را زیر سؤال می‌برد. ماجرای اخیر باشگاه استقلال و محکومیت ۴۵ هزار یورویی به دلیل تأخیر در پرداخت تنها ۴ هزار یورو از مطالبات المدین زلیخیک، نماد روشنی از همین سوءمدیریت ساختاری است؛ جایی که یک بی‌نظمی ساده مالی، به چالشی پرهزینه تبدیل می‌شود. آنچه این پرونده را تلخ‌تر می‌کند، نه رقم جرمه بلکه تکراری بودن آن است. مدیرانی که گویا هیچ درسی از گذشته نمی‌گیرند و همچنان با قراردادهای غیرحرفه‌ای، تعهدات مبهم و بی‌توجهی به زمان‌بندی پرداخت‌ها، باشگاه‌ها را به سمت محکومیت‌های سنگین سوق می‌دهند. سؤال اینجاست: آیا واقعاً این حجم از خطا، صرفاً ناشی از بی‌تجربگی است یا نوعی بی‌مسئولیتی مزمن در مدیریت فوتبال ایران جریان دارد؟ نمونه‌های مشابه این اتفاق در فوتبال ایران کم نیستند. در پرسپولیس، پرونده آنتونی استوکس و همچنین ماجرای قراردادهای پرحاشیه‌ای مانند اوریبه، بارها هزینه‌های سنگینی روی دست این باشگاه گذاشت. در استقلال نیز

می‌کنند، اما مشخص نیست تیم‌های خصولتی چگونه هزینه‌های سرسام‌آور خود را تأمین می‌کنند. البته بجز تعداد محدودی از بازیکنان که قراردادهای بسیار بالا دارند، سایر بازیکنان رقم‌های چندان بالایی دریافت نمی‌کنند. به نظر من این مسئله بیشتر جدی‌نشود و ساختار حرفه‌ای جایگزین مدیریت سلیقه‌ای نگردد، این چرخه معیوب ادامه خواهد داشت. غرامت‌های امروز، فقط اعداد روی کاغذ نیستند؛ بلکه نشانه‌ای از اتلاف سرمایه ملی و بی‌اعتباری فوتبال ایران در عرصه بین‌المللی‌اند.

کریم قنبری، مربی فوتبال در گفت‌وگو با «ایران»:

«ایران» الگوی هزینه‌کرد باشگاه‌های فوتبال در آستانه آغاز رقابت‌های لیگ برتر را بررسی می‌کند

گرداب اسکناسی سوزی

شفاف نیست و سازوکار پاسخگویی تعریف نشده، طبیعی است که تصمیمات پرسپسک و کوتاه‌مدت جایگزین برنامه‌ریزی اصولی شود. نتیجه چنین رویکردی، افزایش تصاعدی بدهی‌ها و شکل‌گیری پرونده‌های متعدد حقوقی در مراجع داخلی و بین‌المللی است؛ پرونده‌هایی که هزینه‌های سنگینی را بدون هیچ بازدهی فنی یا اقتصادی به فوتبال ایران تحمیل کرده‌اند.

مرور محکومیت‌های سریالی باشگاه‌های ایرانی در نهادهای بین‌المللی به‌روشنی نشان می‌دهد که پرداخت میلیاردها تومان غرامت به بازیکنان و مربیان به رویه‌ای عادی تبدیل شده است؛ در حالی که این هزینه‌ها نه‌تنها به بهبود کیفیت فوتبال منجر نشده، بلکه در عمل منابع محدود باشگاه‌ها را نیز مستهلک کرده است. این در حالی است که افزایش سطح دستمزدها، اگر بدون پشتوانه

اقتصادی و برنامه‌ریزی باشد، نه نشانه رشد، بلکه علامتی از بی‌تعالی ساختاری است. واقعیت تلخ آن است که با وجود این حجم از هزینه‌کرد، فوتبال باشگاهی ایران در عرصه بین‌المللی دستاورد قابل‌توجهی نداشته است. حذف نمایندگان ایران از رقابت‌های آسیایی در سال‌های اخیر، بویژه در لیگ نخیکنان و لیگ قهرمانان سطح دو، گواه روشنی براین روند است. در مقابل، نمونه‌های موفق‌ی در فوتبال آسیا دیده می‌شود که با بودجه‌هایی به مراتب کمتر، اما با مدیریت حرفه‌ای و برنامه‌محور، به نتایج قابل‌توجهی دست یافته‌اند. برای مثال، باشگاه‌هایی مانند اولسان هیوندای کره جنوبی یا گوازاکی فرونتال ژاپن، با اتکا به ساختارهای پایدار مالی، آکادمی‌های فعال و سیاست‌های نقل‌وانتقالاتی منطقی، توانسته‌اند در رقابت‌های

رشته برطرف‌دار همدار می‌دهند و خواستار اصلاحات اساسی در مدیریت و سیاست‌گذاری آن هستند. برای بررسی این موضوع به سراغ امیر عابدینی، مدیرعامل پیشین پرسپولیس رفتیم تا ابعاد مختلف این ماجرا را از نگاه وی مورد ارزیابی قرار دهیم. متن کامل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

و استقلال هفت بازیکن مستعد معرفی کرده‌اند؟ اگر این کار صورت گرفته باشد، به نظر من هیچ ایرادی در هزینه کردن نیست. استعداد در ایران به وفور وجود دارد و شکوفا کردن این استعدادها هیچ مانع اقلیمی ندارد، اما برای برخی دوستان صرفه‌ای در این مسیر وجود ندارد.»

او همچنین از نیاز لیگ به ۳۲۰ تا ۳۴۰ بازیکن صحبت می‌کند: «البیک به ۳۲۰ تا ۳۴۰ بازیکن نیاز دارد که تنها ۶۰ نفر از آنها نخبه هستند. وقتی رده‌های A و B و C و A برای این افراد در نظر بگیریم، این رده A است که مبلغ قرارداد را به باشگاه تحمیل می‌کند و مدیر، چون به هوادار و جامعه بدهکار است، ناچار با چاشنی قرارداد بالا به سراغ آن فوتبال‌بست‌ها می‌رود. در نتیجه، سردرگمی در اصل قرارداد به وجود می‌آید و همه گله‌مند می‌شوند.»

امیر عابدینی درباره نظارت بر قراردادهای

شفافیت در مبلغ آن نیز می‌گوید: «سیستم



استعداد در ایران به وفور وجود دارد و شکوفا کردن این استعدادها هیچ مانع اقلیمی ندارد، اما برای برخی دوستان صرفه‌ای در این مسیر وجود ندارد

قاره‌ای عملکردی موفق داشته باشند؛ آن هم بدون ورود به چرخه هزینه‌های افسارگسیخته. حتی تیم‌هایی با بودجه محدودتر در شرق و جنوب‌شرق آسیا، با تمرکز بر توسعه زیرساخت و مدیریت منابع، توانسته‌اند حضوری رقابتی در سطح قاره داشته باشند.

نکته قابل تأمل اینجاست که با وجود هشدارهای مکرر کارشناسان و توصیه‌های رسمی مسئولان فدراسیون فوتبال، همچنان الگوی هزینه‌کرد در باشگاه‌ها تغییری اساسی نکرده است. هر فصل پیش از آغاز لیگ، بر لزوم رعایت انضباط مالی تأکید می‌شود، اما در عمل شاهد افزایش هزینه‌ها و تعمیق چالش‌های مالی هستیم. این شکاف میان توصیه و اجرا، خود نشانه‌ای از ضعف در نظام نظارتی و ضمانت‌های اجرایی است.

در شرایطی که در فوتبال حرفه‌ای جهان، بویژه



عکس: فدراسیون فوتبال

به‌هم‌ریخته است و این نابسامانی از فدراسیون نشأت می‌گیرد. مثلاً وقتی تیم ملی از گروهش بالا نمی‌آید، دادن پاداش چه معنایی دارد؟ از فدراسیون درخواست می‌کنم به‌جز پاداش سرمربی، مبالغ پرداختی به سایر افراد را نیز اعلام کند تا مشخص شود این پاداش بین چه کسانی و به چه نحو تقسیم شده است.»

او در پایان با ابراز امیدواری به الگوبرداری از

اروپا می‌گوید: «کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

روپا می‌کند؟ کااش از اروپا الگو می‌گیریم.

این کارشناس فوتبال در ادامه درباره وضعیت قراردادهای می‌گوید: «طبیعی است هر باشگاهی به دنبال جذب بهترین بازیکنان برای کسب جایگاهی بهتر در جدول باشد. اما بسیاری از باشگاه‌ها با جدول بدون بازیکنان قرارداد می‌بندند و به دلیل عدم پرداخت به‌موقع دچار مشکل می‌شوند.



فوتبال ما از نظر زیرساختی وامکانات فاخته‌افزایی قابل‌توجهی در نظر استانداردهای جهانی دارد. اما با توجه به شرایط اقتصادی کشور، هرچه بیشتر بتوانیم قرارداد فوتبال‌بست‌ها را تعدیل کنیم، به نفع همه خواهد بود. قنبری همچنین تشکیل یک نهاد نظارتی برای کنترل قراردادهای ضروری می‌داند و می‌گوید: «نمی‌دانم چرا نظارت جدی بر قراردادهای وجود ندارد. ای کاش کمیته یا شورایی تشکیل شود تا این مسأله را ساماندهی کند. سال‌هاست که بحث تعیین سقف و کف قراردادهای مطرح می‌شود، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است؛ در حالی که در فوتبال جهان چنین رویکردی وجود ندارد و باشگاه‌ها بر اساس قوانین فیربلی مالی، در چارچوبی مشخص هزینه می‌کنند. مشخص نیست چرا در ایران این سیستم به‌طور جدی اجرا نمی‌شود.»

عقب‌نمانیم، باید در همه زمینه‌ها از جمله قراردادهای، سطح کیفی و زیرساخت‌ها، خود را ارتقا دهیم. البته فوتبال ما از نظر زیرساختی با استانداردهای جهانی دارد. اما با توجه به شرایط اقتصادی کشور، هرچه بیشتر بتوانیم قرارداد فوتبال‌بست‌ها را تعدیل کنیم، به نفع همه خواهد بود. قنبری همچنین تشکیل یک نهاد نظارتی برای کنترل قراردادهای ضروری می‌داند و می‌گوید: «نمی‌دانم چرا نظارت جدی بر قراردادهای وجود ندارد. ای کاش کمیته یا شورایی تشکیل شود تا این مسأله را ساماندهی کند. سال‌هاست که بحث تعیین سقف و کف قراردادهای مطرح می‌شود، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است؛ در حالی که در فوتبال جهان چنین رویکردی وجود ندارد و باشگاه‌ها بر اساس قوانین فیربلی مالی، در چارچوبی مشخص هزینه می‌کنند. مشخص نیست چرا در ایران این سیستم به‌طور جدی اجرا نمی‌شود.»

مهری رنجبر / این روزها در شرایط خاص اقتصادی، شنیدن خبر قراردادهای میلیاردي فوتبال‌بست‌ها موجب شگفتی افکار عمومی شده است؛ بویژه آنکه فوتبال ایران از نظر کیفی حتی با برخی لیگ‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز قابل‌مقایسه نیست. کریم قنبری، مربی و کارشناس فوتبال، معتقد است کیفیت فوتبال ایران هم‌تراز با قراردادهای سنگین نیست. او می‌گوید: «اکثر باشگاه‌ها بجز تراکتور، نساجی و شمس‌آذر، به صورت خصولتی اداره می‌شوند و از منابع عمومی سود می‌برند. این موضوع لزوم نظارت کامل بر تیم‌ها و لیگ را دوجندان می‌کند. تیم‌های خصوصی طبق بودجه خود فعالیت



عکس: فدراسیون فوتبال